

# خانواده‌درمانی با مسلمانان

تألیف

پروفسور منیژه دانشپور

ترجمه

دکتر احمدرضا کیانی چلمردی

عضو هیأت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

پژمان هنرمند قوجه‌بگلو

کارشناس ارشد مشاوره



سپاسگزاری ناشر.....	۴
تقدیر و تشکر.....	۵
مقدمه.....	۹

## بخش ۱: تاریخ معنوی، اجتماعی، خانوادگی و سیاسی مسلمانان

فصل ۱: اعتقادات مسلمانان.....	۱۶
فصل ۲: کشورهای مسلمان.....	۲۵
فصل ۳: نفوذ استعمار.....	۷۵
فصل ۴: جنسیت و قدرت.....	۸۳

## بخش ۲: تئوری‌های خانواده‌درمانی

فصل ۵: ارزیابی در خانواده‌درمانی.....	۹۴
فصل ۶: خانواده‌درمانی ساخت‌گرا.....	۱۲۳
فصل ۷: خانواده‌درمانی بوئنی.....	۱۴۴
فصل ۸: خانواده‌درمانی تجربی.....	۱۶۶
فصل ۹: خانواده‌درمانی روایتی.....	۱۸۲
فصل ۱۰: خانواده‌درمانی بافتی.....	۱۹۴
فصل ۱۱: خانواده‌درمانی فمینیستی.....	۲۰۹
فصل ۱۲: خانواده‌درمانی پُست‌مدرن.....	۲۲۲
واژه‌نامه انگلیسی به فارسی.....	۲۳۹
واژه‌نامه فارسی به انگلیسی.....	۲۴۴

ترجمه این کتاب به پیشنهاد خانم دکتر منیژه دانشپور و به واسطه برادرشان آقای جواد دانشپور انجام گرفت. خانم دکتر دانشپور ترجمه کتاب را بررسی کرده و در تمام مراحل انجام کار راهنمایی و پشتیبان ما بودند. از همکاری صمیمانه ایشان و برادرشان کمال تشکر را داریم.

**انتشارات ارجمند**

به عنوان یک متفکر سیستمی، مدت‌ها بر این باور بودم که هیچ کسی در سفر زندگی به تنهایی قدم بر نمی‌دارد، یا بدون حمایت هیجانی بی‌قید و شرط و نه چالش‌های هیجانی گاه و بی‌گاه، فرد مضمثر نمی‌شود. از این روی، من باید تشکر وافر خود را نثار آنهایی کنم که الهام‌بخش من بودند، از من حمایت کردند، در کنارم قدم برداشتند، و دائماً در این مسیر پرفراز و نشیب به من کمک کرده‌اند. باید همان مقدار قدردانی را نثار کسانی کنم که به من ایمان نداشتند و به توانایی من برای کوشش و موفقیت شک و تردید داشتند. چالش آنها باعث رشد شخصی من شد و توانایی مرا برای درهم‌آمیختن تلخی شکست‌ها و ناامیدی‌ها با شیرینی طعم موفقیت و رضایت موجب شد. آنها به من آموختند که اگر دائماً برای بهبود توانایی‌های خود کوشش و تلاش نکنم، موفقیت ناپایدار و گذرا است. در طول سال‌ها، دانشجویان و مراجعان من، در حالی که از رویکرد مداوم و مثبت من به زندگی و هر چیزی که زندگی بر سر راه‌مان قرار می‌دهد، قدردانی می‌کردند، بیش از هر متخصص دیگری، صرفاً با ایمان به توانایی من در آموزش و راهنمایی آنها، به من آموختند.

بیشترین سپاس‌گزاری قلبی و صادقانه من متوجه والدین و برادر و خواهرانم به خاطر تشویق شدید و عشق بی‌قید و شرط آنها است. آنها همیشه به عنوان منبع استوار حمایت در دسترس بوده‌اند و دائماً و به درستی قابل اتکا و اعتماد بوده‌اند. من واقعاً مدیون آنها هستم. باید از همسر امیر نیز تشکر کنم؛ کسی که با وی لذت احساس عشق اصیل و خالصانه را تجربه کرده‌ام. در طول سالیان سال، وی چیزهای زیادی در مورد خودم و رمز و راز موجود در عشق به من آموخت، رمز و رازی که می‌تواند در نوع نگاه ما به زندگی تفاوت ایجاد کند. آنچه من در طول سال‌ها آموخته‌ام، در نتیجه مادری دو فرزند بی‌ظنیر و دوست‌داشتنی به نام‌های هدا و ندا است. آنها نیز به زعم خودشان الهام‌بخش من بوده‌اند و به طور نیمه‌هشیار به شدت و غایت در نوع ادراک

من از خودم به عنوان یک مادر محبوب و زن متخصص شایسته، نقش داشتند. شاید بدون حمایت و عشق آنها، چیزی که الان هستم، نمی‌شدم.

این لیست تقدیر و تشکر تنها شامل تعداد کمی از افرادی می‌شود که در طول سال‌ها از من حمایت کرده‌اند. اما تشکر ویژه دارم از آقای ایمان به خاطر خرید کتاب‌ها و ارسال مقالاتی مرتبط با موضوع برای من و به خاطر گفتگوهای پرمغز و نغزی که در مورد محتوای این کتاب با هم داشتیم و همین‌طور به چالش طلبیدن بی‌وقفه ادراک من در مورد خانواده‌های مسلمانان. همچنین باید از دانشجوی ارشد خودم، می‌کی به خاطر حضور مداوم و کمک به من در انجام کارهایم تشکر کنم. خاص‌ترین و عمیق‌ترین قدردانی من به مراجعان خاورمیانه من برمی‌گردد که خلق این اثر را ممکن ساختند. سهم آنها در این اثر حیاتی بوده است، اما اشتباهات ناگزیر و ناگزیر یا معرفی غلط، بیشتر به خود من برمی‌گردد.

به علاوه، تمام بنیانگذاران خانواده‌درمانی که در این کتاب مطرح شده‌اند، جای خاصی در قلب من دارند؛ چون بدون وجود این مدل‌ها نمی‌توانستم خانواده‌درمانی پرشور و پویایی را برای بسیاری از این خانواده‌ها در طول این سال‌ها ارائه کنم. در آخر، من عمیقاً مدیون کسانی هستم که به خاطر طرفداری من از عدالت اجتماعی و کار دفاع و حمایت، انرژی لازم را برای شور و اشتیاق سوزان و اعتقاد راسخ برایم فراهم کردند. من فقط امیدوارم که با خودم صادق باشم و همیشه در پی ارتقاء رویکردی انسان‌گرایانه و مساوات‌طلبانه به زندگی و زیستن باشم.

## چند کلمه‌ای درباره‌ی خودم (مؤلف)

من به عنوان فردی اصالتاً ایرانی، کل دوران بزرگسالی خود را در غرب زندگی کرده‌ام و تمام تحصیلات دانشگاهی خود را در آمریکا گذرانده‌ام. با این حال، شدیداً و عمیقاً با پویایی‌های فرهنگ شرقی در تماس بوده‌ام و بزرگ شده‌ام و به جایی رسیده‌ام تا از غنای بسیار متنوع پیشینه شرقی قدردانی کنم، به ویژه اینکه فرهنگ شرقی با شیوه زندگی روزمره من در فرهنگ غربی قرین و عجین بوده است. من به عنوان یک درمانگر خانواده و ازدواج آموزش دیده‌ام و ساعات فراوانی از درمان خانواده و

زوجین را برای آمریکایی‌های اروپایی تبار ارائه داده و جلسات درمانی بی‌شماری را برای خانواده‌های شرقی همچون مسلمانان برگزار کرده‌ام. به عنوان فردی آکادمیک، دوره‌های آموزشی مختلفی در زمینه نظریه‌های خانواده‌درمانی گذرانده‌ام و نظارت درمانگران بسیاری را از اروپایی تا شرق آمریکا بر عهده داشته‌ام. من به خانواده‌درمان‌گران غربی آموخته‌ام تا در خانواده‌درمانی و زوج‌درمانی با خانواده‌های مسلمان، حساسیت فرهنگی داشته باشند و به دانشجویان بین‌المللی شرقی نیز آموخته‌ام تا درمان را مرتبط با بافت فرهنگی جاری غرب انجام دهند. اگرچه تا حدودی در نقش یک سفیر بین فضای ذهنی شرقی و غربی عمل کرده‌ام، اما بسیاری از کوشش‌های تحقیقاتی و نوشته‌های من متمرکز بر پویایی‌های خانواده‌های مسلمان بوده است. خانواده‌های مسلمان، نه به عنوان یک گروه مذهبی، بلکه به عنوان یک گروه فرهنگی. عرصه‌ای که هم در آن با آرامش رشد کرده‌ام و هم به آن آشنا هستم.

مطابق با سال‌ها تجربیات، دریافته‌ام که خانواده‌های مسلمانان همچون دیگر گروه‌های اقلیت، هم به صورت ظریفی منحصر به فرد هستند و به طور ساده‌انگارانه‌ای از جهات بسیاری عادی و معمولی هستند. ما کلاً به عنوان شرقی‌ها، قبل از هر چیز بر مبنای بسیاری از ارزش‌های فرهنگی جمع‌گرایانه عمل می‌کنیم، و در درجه دوم، خاصه به عنوان مسلمانان از ترکیبی از آئین‌های فرهنگی محلی و ایدئولوژی‌های اسلامی به عنوان شیوه‌ای از زندگی استفاده می‌کنیم. به واقع، من در نگاهم به فرهنگ‌های اسلامی و پویایی‌های خانواده، بسیار واقع‌گرا و عملگرا هستم. به عنوان یک محقق حقا و تا حدی که لازم باشد، می‌دانم که خانواده‌های مسلمان همچون دیگر گروه‌های فرهنگی با مسایل مشابهی دست و پنجه نرم می‌کنند. با این وجود، ارزش‌های فرهنگ اسلامی ما اغلب مانعی در شناسایی، بحث و کندوکاو در مورد راه‌حل‌های این مشکلات مشترک می‌شود؛ مشکلاتی که بسیاری دیگر از شرقی‌ها، گروه‌های فرهنگی غیرمسلمان آن را قبول کرده و به گردن گرفته‌اند و حتی قبل از اینکه ما بخواهیم این مشکلات را قبول کنیم و به گردن بگیریم، آنها دارند تلاش می‌کنند تا این مشکلات را حل و فصل کنند. همکاران غربی و شرقی من نیز، مرا با این موضوع روبرو کرده‌اند که نظر من در مورد این مسایل فرهنگی و مذهبی چیست؟ از یک سو، من حجاب اسلامی دارم، که از نظر چندفرهنگی نشانگر پیوند عمیق با اسلام به عنوان یک مذهب است. از سوی

دیگر، من این روسری را به عنوان نمایانگر برنامه سیاسی-اجتماعی می‌پوشم؛ که در تلاش است تا ایده‌های شرقی و غربی، هر دوشان را در این مورد که چرا زن تحصیل کرده، روشنفکر و مدرن باید پوشش ظاهری داشته باشد، به چالش بکشم.

بسیاری از زمینه‌های اجتماعی-سیاسی، مذهبی، بالینی، و آکادمیک، اصول و مبناهای عمیقی هستند که ضرورت نوشتن این کتاب را برای تبادل دانش، تجربه و تخصص من نشان می‌دهند. این کتاب، کوشش مطلقاً بی‌پیرانه و بی‌تکلف من برای پوشش چندین تئوری کاربردی خانواده‌درمانی و دلالت‌های بالینی برای کاربرد این تئوری‌ها در کار با خانواده‌های مسلمانی است که در سراسر جهان، هم در کشورهای مسلمان و هم غیرمسلمان زندگی می‌کنند. من به طرز غم‌انگیزی می‌دانم که این در واقع یک کار و مسئولیت بسیار جاه‌طلبانه‌ای است، خصوصاً با فرض تمام تفاوت‌های رفتاری که از نظر وسعت، در دامنه‌ای بین تعاملات تک‌خانواده، قلمرو اجتماع مشترک، و اساساً چشم‌انداز هنجاربنیاد اجتماعی قرار دارد. الحمدالله، هدف، تبیین هر رفتار یا تعامل نیست، بلکه ارائه درکی کلی به خواننده در مورد نحوه استفاده از هر نظریه خانواده‌درمانی با خانواده‌های مسلمان، به عنوان افراد، اعضای یک واحد خانواده و به عنوان گروه درون بافت اجتماعی خودشان است. در تلاش به منظور فضا دادن به شیوه‌های خاص تفکر برای متخصصان سلامت روانی که با خانواده‌های مسلمان در سراسر جهان کار می‌کنند، هزاران نتیجه‌گیری باید انجام بگیرد. از این روی، این پیش‌فرض‌های کلی در مورد تعاملات خانواده تنها به این علت صورت‌بندی می‌شود که متخصصان کمتر بر اساس حدس و گمان پیش بروند و بیشتر در برابر شیوه تعریف خود خانواده از پیوندهایشان، گشوده باشند. این کتاب، به صورت رک و پوست‌کنده تلاشی برای معرفی بعضی از مدل‌های خانواده‌درمانی غربی برای متخصصان سلامت روانی است که سعی در کار با جمعیت مسلمان دارند. چون این مدل‌ها در کار شخصی من با خانواده‌های مسلمان در طول ۲۰ سال گذشته، کاربردپذیری و اثربخشی عظیم خود را به اثبات رسانده‌اند.

امروزه بیش از ۵۰ کشور مسلمان وجود دارد که بافت‌های فرهنگی و اکولوژیکی متمایز و خاصی برای خودشان دارند. کشورهای پرجمعیتی همچون اندونزی، نیجریه، بنگلادش، و پاکستان و کشورهای کم‌جمعیتی همچون بحرین و کویت وجود دارند. بعضی کشورها مثل عربستان و قطر و امارات، سیستم‌های دولتی قدرتمند و کارآمدی دارند، اما بعضی از آنها، مثل بوسنی، سومالی و سوریه برای موجودیت خودشان در کشمکش هستند. کشورهایی هستند که مثل مالی و بنگلادش اقتصاد بسیاری ضعیفی دارند و بعضی‌ها، مثل عربستان، ایران، ترکمنستان و لیبی اقتصاد قدرتمند و منابع طبیعی فراوانی دارند. کشورهای دیگری همچون امارت و مالزی از صنعتی شدن برای ایجاد اقتصاد موفق استفاده می‌کنند. بعضی کشورهای مسلمان، همچون اکثر کشورهای عربی اکثراً شامل یک گروه قومی می‌شوند، اما بعضی دیگر مثل ایران شامل چندین گروه قومی مختلف با زبان‌های متفاوت و پیشینه فرهنگی مختلف می‌شوند. در این کشورها، همه جور نمادهای اجتماعی-سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی دیده می‌شود. از سویی، کشورهای سکولاری همچون امارات یا اندونزی وجود دارند و از سویی، کشورهایی همچون جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، حکومتشان بر مبنای یک ایدئولوژی مذهبی قرار دارد. در مالزی، نیجریه و برونئی، سیستم پادشاهی غالب است و در اندونزی، ترکیه، پاکستان، بنگلادش و مالزی، دموکراسی حاکم است.

به رغم این تنوع در میان کشورهای مسلمان، آشکارترین و رایج‌ترین رشته پیوند آنها، دین اسلام است، به عنوان یک منبع هویت و دارای نفوذی ضروری و الزامی بر تمام جنبه‌های زندگی آنها که شامل الگوهای فرهنگی و ارتباطی خانواده‌های مسلمان نیز می‌شود. مهم است که به یاد داشته باشید بافت فرهنگی و جهت‌گیری مذهبی همیشه مبین رفتار یک خانواده مسلمان نیست، و گاهی حتی تجارب یک فرد دارای فرهنگی خاص نمی‌تواند ارزش‌های فرهنگی خاصی که توسط فرد آموخته شده، تبیین



شود. اما به رسمیت شناختن امور بی‌ربط باید در حیطه دانش مد نظر قرار بگیرد. این بدان معنا است که ما باید درکی از بافت فرهنگی‌ای که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند داشته باشیم تا دریابیم که چگونه و تا چه حدی تجارب فرهنگی با شخصیت، تجارب و مشکلات فرد تناسب دارد.

علاوه بر این، ما نیاز به درک این نکته داریم که رفتار بهنجار در یک بافت فرهنگی خاص چگونه تعریف می‌شود تا بدین طریق به عملکرد خانواده معنا و مفهومی ببخشیم. عملکرد روان‌شناختی بهنجار معمولاً به صورت زیر تعریف می‌شود: رفتاری که بسیار رایج است. با این وجود، چنین تعریفی سوگیرانه است، چون اکثر غربی‌ها بر قدرت سازمانی کنترل دارند و از این روی، الگوهای رفتاری آنها، نه فقط برای آنها، بلکه برای هر کسی که در بافت فرهنگی آنها و حتی فرهنگ‌های دیگر زندگی می‌کند، بهنجار به نظر می‌رسد (سو و سو، ۲۰۱۳). اغلب، آنچه که بهنجار یا از نظر روانی سالم به نظر می‌رسد، آن چیزی است که در درون مرزهای بافت‌های اجتماعی غربی می‌گنجد و با آن همخوان است. با این حال، نرم‌های اجتماعی متنوع هستند؛ آنچه که از نظر روانی سالم به نظر می‌رسد، بسته به فرهنگ، تحصیلات، سن و اکثر مواقع جنسیت، متنوع است.

اگر دختر دانشجویی در سن ۲۷ سالگی همچنان به خاطر ازدواج نکردن، با والدینش زندگی کند، آیا دارای مشکل روانی است؟ آیا دوستانش باید اینطور تصور کنند که وی با فردیت مشکل دارد؟ چه می‌شود اگر وی از معاشرت با جنس مخالف در مقابل دیدگان والدین و اطرافیانش رنجور شود، اما از صحبت و وقت‌گذرانی با مردان در محیط کار و مدرسه بسیار احساس راحتی کند؟ آیا اگر وی شخصیت چندگانه و یا رفتار شدیداً غیرقابل‌پیش‌بینی داشته باشد، این یک مشکل است؟ اگر ما بدانیم که آیا وی یک فرد غربی است یا یک مهاجر مسلمانی که از یک خانواده مسلمان بسیار سنتی آمده است، حتماً قضاوت ما در مورد وی به شیوه بسیار متفاوتی خواهد بود.

از این روی، ارزیابی آسیب‌شناسانه بودن یک رفتار، اغلب بسته به بافتی است که رفتار در آن رخ می‌دهد. فردی که بر این اعتقاد است که رفتاری خاص، از نظر

روان‌شناختی بهنجار/سالم و یا نابهنجار/ناسالم است، بدون اینکه بافت اجتماعی را در نظر بگیرد، توجه بسیاری از انحرافات رفتاری در فرهنگ‌ها و بافت‌های اکولوژیکی کار سختی برای وی خواهد بود (آبا، ۲۰۰۳).

بنابراین، اگر بگذاریم که تعریف «بهنجار» توسط نرم‌های اجتماعی فرهنگ غالب غربی، با استفاده از راهنمای آماری و تشخیصی برای تشخیص اختلالات سلامت روان به ما دیکته شود، یعنی تلویحاً داریم سلامت روان را توسط نرم‌های رایج فرهنگ غربی تعریف می‌کنیم که این بدان معنا است که رفتاری که غربی‌ها انجام می‌دهند یا تأیید می‌کنند، از نظر روانی سالم است و رفتاری که آنها انجام نمی‌دهند و تأیید نمی‌کنند، از نظر روانی ناسالم است. بنابراین، یک تعریف حساس به فرهنگ در مورد واژه «بهنجار» باید «نسبی‌گرایانه» و متناسب بافت اکولوژیکی، و نقطه‌نظرها و ارزش‌های فرهنگی باشد.

## ارزش‌های فرهنگی و نقطه‌نظرها

این مهم است که از نقطه‌نظرها و ارزش‌های خانواده‌های مسلمانان درک و قدردانی کنیم، به خاطر معنایی که این باورها در رفتار آنها دارد. قطعاً، همانطوری که در میان اعضای یک گروه تفاوت‌هایی وجود دارد، در میان خانواده‌های مسلمان نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. خانواده‌های مسلمان به درجات متفاوتی به ارزش‌های فرهنگی و اسلامی سنتی پایبند هستند. بسیار محتمل است که تمام خانواده‌های مسلمان جانب این ارزش‌ها را نگیرند. علاوه بر این، ارزش‌های بعضی از خانواده‌های مسلمان ممکن است تا حدودی سنتی باشد، در حالی که ارزش‌های بعضی دیگر از خانواده‌های مسلمانان ممکن است چنان «غربی» باشد که تمیز ارزش‌های آنها از ارزش‌های رایج متوسط غربی‌ها دشوار باشد. در بین این دو قطب، ممکن است انحراف‌های بی‌شماری وجود داشته باشد.

حتی این نیز کاملاً درست نیست که دو سر طیف پیوستار ارزش‌ها را به صورت ایده‌آل‌های سنتی خانواده‌های مسلمان در برابر ایده‌آل‌های غربی تعریف کنیم. حتی وقتی سنتی‌ترین خانواده‌های مسلمان به باورهای اسلامی‌ای بچسبند که سنتی نیستند،

اینکه یک سر طیف را «ارزش‌های سنتی خانوادهٔ مسلمان» بنامیم، ریاکارانه و فریبنده است. ارزش‌ها و اصول خانوادهٔ مسلمان تکامل پیدا کرده است و فرهنگ امروز دیگر همان فرهنگ سنتی قرن‌ها پیش نیست. در سوی دیگر پیوستار، غلط‌انداز است که در مورد «ارزش‌های غربی» صحبت کنیم، گویی که این ارزش‌ها همگون، آشکارا تعریف شده، ایستا و هم‌معنی با عقاید و نگرش‌های طبقهٔ متوسط آمریکایی-اروپایی هستند. چون جدا از وجود تفاوت‌های فردی، طبقات اجتماعی، جنسیت و تفاوت‌های منطقه‌ای فراوانی در حصار فرهنگ‌های غربی وجود دارد. به علاوه، بسیاری از ارزش‌های غربی، ضرورتاً متضاد ارزش‌های خانوادهٔ مسلمان نیستند. از این روی، درست نیست که این مجموعه از ارزش‌های غربی و ارزش‌های خانوادهٔ مسلمان را در دو سوی متضاد پیوستار قرار دهیم.

به علاوه، یک مدل داخلی، نمی‌تواند به درستی نشان دهد که چگونه خانواده‌های مسلمان نقطه‌نظرات و ارزش‌های اسلامی و غربی را با هم ترکیب می‌کنند. افراد به سادگی ارزش‌های غربی و ارزش‌های سنتی اسلامی را با هم ترکیب نمی‌کنند. در واقع، ترکیب‌سازی و متعادل‌سازی ارزش‌ها در درون بافت‌های فردی و اجتماعی، فرایندی پویا و ادغامی است. خانواده‌های مسلمان از نظر ترکیب تجارب فردی خودشان با فرهنگ غربی بسیار متنوع هستند؛ که این متاثر از کارکرد هوشی، تحصیلات، جنسیت، مواجهه با فرهنگ اسلامی و بسیاری دیگر از عوامل همچون میزان مستعمره بودن، سال‌های وابستگی، و پیوند جاری حکومت آنها با غرب است. با این وجود، درک باورهای اسلامی سنتی تا زمانی که این باورها بافتی برای ارزش‌های خانوادهٔ مسلمان خلق کند، می‌تواند مزایایی داشته باشد.

## ساختار کتاب

این کتاب به دو بخش تقسیم شده است. در بخش اول، من به اطلاعات مربوط به پیشینهٔ فرهنگی و مذهبی در اسلام و خانواده‌های مسلمان پرداختم. در بخش دوم، من پنج مدل خانواده‌درمانی را پوشش داده‌ام که در هنگام اقامت در هر دوی خاورمیانه و آمریکا در کار با خانواده‌های مسلمان مفید یافتم. فصل اول به اعتقادات مسلمانان

می‌پردازد و به متخصصان سلامت روان غیرمسلمان دیدگاهی بسیار بنیادی و کلی در مورد ارزش‌های معنوی مسلمانان می‌دهد. در فصل دوم، به پویایی‌های خانواده و الگوهای ارتباطی ۲۳ کشور مسلمان مجزا پرداخته شده است و سعی شده تا شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در تعریف روابط خانواده در این کشورها نشان داده شود. در فصل ۳، به تأثیر قرن‌ها استعمارگری بر ادراک خانواده‌های مسلمان از خودشان و روابطشان با همدیگر و با غرب پرداخته می‌شود. فصل ۴ در پی پوشش دادن به خط‌مشی‌های پویایی‌های جنسیتی فرهنگ مسلمان است و اینکه چگونه این موضوع از نظرگاه غربی مورد تجزیه و تحلیل و ادراک قرار می‌گیرد.

در بخش دوم، فصل ۵ به ارزیابی در خانواده و اطلاعات کلی در مورد نحوه استفاده از مفاهیم خانواده‌درمانی در کار با خانواده‌های مسلمان می‌پردازد. فصل ۶، مفاهیم خانواده‌درمانی ساختاری را پوشش می‌دهد و یک مثال موردی نیز مطرح می‌شود تا نحوه استفاده از این مدل در کار با خانواده‌های مسلمان را نشان دهد. فصل ۷، خانواده‌درمانی بوئنی را پوشش می‌دهد و فایده این مدل در کار با خانواده‌های مسلمان را می‌گوید؛ هرچند مفهوم فردیت و متمایزسازی ممکن است در کار با خانواده‌های شرقی که پیشینه فرهنگ جمع‌گرایانه دارند، چندان مرتبط به نظر نرسد. یک مثال موردی نیز نحوه استفاده موثر و ثمربخش و مرتبط از این مدل را نشان می‌دهد. فصل ۸، خانواده‌درمانی تجربی ویتاگر و ستیر را به خاطر مبنای انسان‌گرایانه این مدل و کاربردپذیری آن در کار بالینی با خانواده‌های مسلمان، پوشش می‌دهد. یک مثال موردی، با استفاده از مدل تعاملات و شکل‌دهی عزت‌نفس ستیر، نحوه کاربرد مناسب و متناسب این رویکرد را نشان می‌دهد. فصل ۹، مفاهیم خانواده‌درمانی روایتی را پوشش می‌دهد و اهمیت استفاده از زبان و استعاره‌ها را در کار با خانواده‌های مسلمان بازگو می‌کند. یک نمونه بالینی نیز مفیدبودن روایت‌درمانی را در کار با این جمعیت به تصویر می‌کشد. فصل ۱۰، به خانواده‌درمانی بافتی می‌پردازد، که رویکرد جامعی به آسیب‌شناسی خانواده با استفاده از اخلاقیات ارتباطی است. یک نمونه موردی نیز ماهیت جامع این مدل را در کار با خانواده‌های مسلمان نشان می‌دهد. فصل ۱۱، خانواده‌درمانی فمینیستی را پوشش می‌دهد تا اثربخشی مدل متمرکز بر جنسیت را

در کار با خانواده‌های مسلمان نشان دهد. فصل ۱۲، خانواده‌درمانی پست‌مدرن و استفاده از «خرده‌روایت‌ها» را پوشش می‌دهد و معنایی که خانواده‌ها به تجارب خودشان برای بهبود عملکرد خانواده خود تخصیص می‌دهند را نیز پوشش می‌دهد. یک نمونه موردی نیز ماهیت بالینی قدرتمند این چشم‌انداز را نشان می‌دهد. بنابراین، هدف اصلی من این است که یک راهنمای کاربردی و عملی تئوری‌محور را ارائه کنم؛ برای متخصصانی که با خانواده‌های مسلمان کار می‌کنند و همزمان وفاداری به مدل‌های اصلی خانواده‌درمانی را در عصری که مدل‌های شواهدمحور تصنعی روبه رشد هستند و ادعاهای توخالی در مورد اثربخشی بالینی خود ارائه می‌دهند را حفظ می‌کنند. من همچنین داستان چندین خانواده مسلمان را گفته‌ام تا منحصر به فرد بودن آنها و نیز تنگناهای رایج خانواده‌ها را برجسته کنم. امیدوارم که این کتاب در سراسر جهان، برای خوانندگان مفید، مغتنم و کاربردی باشد.

## منابع

- Sue, D.W., & Sue, D. (2013). *Counseling the culturally diverse: Theory and practice* (6th ed.). New York: John Wiley & Sons.
- Uba, L. (2003). *Asian Americans: Personality patterns, identity, and mental health*. New York: Guilford.

### 1. mini-narratives

پست‌مدرن در رد روایت‌های عظیم و محوری، به خرده‌روایت‌ها علاقه‌مند است؛ داستان‌هایی که مبین اعمال کوچک و رخداد‌های محلی هستند و نه مفاهیم همگانی و جهانی در سطح گسترده. این روایت‌ها همیشه موقعیتی، احتمالی و موقتی هستند و هیچ ادعایی در مورد همگانی بودن، حقیقت، استدلال یا ثبات ندارند (م).

## بخش ۱

# تاریخ معنوی، اجتماعی، خانوادگی و سیاسی مسلمانان

---

## اعتقادات مسلمانان

قید و بند و هنجارهای مربوط به هر گروهی از افراد جامعه آنها را به هم پیوند می‌زند. خانواده‌ها قوی‌ترین پیوندهای اجتماعی را دارند و زیربنای تمام جوامع انسانی هستند. مسلمانان نیز جزئی از این خانواده‌ها هستند و تقریباً یک نفر از پنج نفر در سراسر جهان مسلمان و متعلق به خانواده است (انجمن مذهب، صلح و امورات اخلاقی برکلی، ۲۰۱۳)، اما حتی در عصر پیوندهای جهانی به‌هم‌پیوسته با پیشرفت‌های تکنولوژیکی گسترده، پیوند دادن همه جوامع با همدیگر که اکثریت آنها غربی و با تعلیم و تربیت مسیحی رشد می‌کنند و کمتر کسی با دین اسلام و خانواده‌های مسلمانان آشنا است. این فصل در مورد اصول اساسی دین اسلام بحث خواهد کرد تا متخصصین سلامت روان را که بیشتر از زمینه‌های فرهنگی غربی هستند، با باورهای اصلی مسلمانان آشنا کند. این مهم است که توجه داشته باشید که بسیاری از مسلمانان ممکن است اعمال مذهبی خود را به جا نیاورند، اما به لحاظ فرهنگی در زندگی روزمره خود به طور آگاهانه یا ناآگاهانه براساس این اصول عمل می‌کنند.

### دین اسلام و مسلمانان

دین اسلام یک آیین یکتاپرستی و ابراهیمی است که توسط قرآن معرفی شده است. مسلمانان معتقدند که تمام قرآن کلماتی معتبر از جانب خداوند است. مسلمانان معتقدند که حضرت محمد (ص) آخرین پیامبر خداست و پیروان اسلام آموزه‌های او را که سنت و حدیث است مورد توجه و احترام قرار می‌دهند و این سرمشق و بهترین راهنما برای رفتار و اخلاق مسلمانان است. دین اسلام معتقد است که همان پیام‌ها از مدت‌ها قبل به وسیله حضرت ابراهیم، حضرت موسی و عیسی بیان شده است.

مسلمانان ادعا می‌کنند که پیام‌های اولیه و نشانه‌هایی که از طرف خدا به دیگر پیامبران قبل از حضرت محمد (ص) نازل شده، بخشی از آن مورد سوء تعبیر یا در طول زمان تغییر یافته است (پیترز، ۲۰۰۳). با این حال، قرآن به نظر بی‌تغییر است و بدون هیچ آیه جایگزینی و اعتقاد بر این است که قرآن آخرین بیانات از طرف خداست (اسپوزیتو، ۲۰۱۰). پنج رکن اساسی که تمامی اعمال اساسی عبادت، مفاهیم و اعمال اولیه مذهبی را پوشش می‌دهند، تمام ابعاد زندگی و جامعه را در بر می‌گیرد (اسپوزیتو، ۲۰۱۰).

در اسلام دو مذهب بزرگ (سنی ۸۰٪ - ۹۰٪ و شیعه ۱۰٪ - ۲۰٪) وجود دارد. اندونزی، با حدود ۱۳٪ از جمعیت مسلمانان، بزرگترین کشور مسلمان است. برآورد شده که حدود ۲۵٪ از مسلمانان در جنوب آسیا، ۲۰٪ در خاورمیانه و ۱۵٪ در جنوب صحرای آفریقا زندگی می‌کنند (انجمن مذهب، صلح و امور اخلاقی برکلی، ۲۰۱۳). اقلیت‌های قابل ملاحظه‌ای نیز در چین، روسیه و آمریکا زندگی می‌کنند و بسیاری از مهاجران و مسلمان‌شده‌ها در کشورهای مختلف در سراسر جهان زندگی می‌کنند. در اصل، پس از مسیحیت، به نظر می‌رسد که اسلام دومین دین بزرگ است؛ ۱/۵۷ میلیارد پیروان که ۲۳٪ از کل جمعیت جهان است (انجمن مذهب، صلح و امور اخلاقی برکلی، ۲۰۱۳؛ میلر، ۲۰۰۹).

## نظام اعتقادی مسلمانان

### خدا/الله

مفهوم اولیه و اساسی، یکتاپرستی<sup>۱</sup> است. مسلمانان اصول مسیحیان از جمله تثلیث<sup>۲</sup> و تقدّس مسیح به عنوان پسر خدا را قبول ندارند و آن را چندخدایی می‌دانند. در اسلام، رابطه خدا با انسان شخصی است؛ خداوند همیشه قابل دسترسی برای یک فرد در

---

#### 1. Monotheism

اعتقاد به وجود فقط یک خدا که خالق هستی است که قدرت مطلق است و بر تمام امور واقف است (م)

#### 2. Trinity

یک تن مسیحی است که در آن خدا یکی است، اما در سه شخص خدای پدر، خدای پسر و عیسی مسیح تجسم پیدا می‌کنند (م)



موقع نیازش است و انسان‌ها می‌توانند بی‌واسطه با خداوند در ارتباط باشند. الله کلمه‌ای فارغ از جنسیت است که مسلمانان و هر کسی که عربی صحبت می‌کند، شامل یهودیان و مسیحیان از آن در اشاره به خدا استفاده می‌کنند، در حالی که مسلمانانی که غیرعربی صحبت می‌کنند از نام‌های مختلفی همچون «تانری» در ترکی یا «خدا» در فارسی استفاده می‌کنند.

## فرشتگان

کلمه عربی برای فرشته به معنی «پیام‌آور» است و اعتقاد به فرشتگان مفهومی بنیادی در اسلام است. بر طبق قرآن، فرشتگان خدا را در فرمان‌برداری کامل پرستش می‌کنند و اراده‌ای آزاد برای خود ندارند. مسئولیت فرشته‌ها شامل برقراری ارتباط بین خدا و پیامبرش، ستایش خدا، گرفتن جان انسان‌ها در زمان مرگ آنها و ثبت اعمال هرکس است تا در روز قیامت مورد ارزیابی قرار بگیرد (اسپوزیتو، ۲۰۱۰).

## اعتقاد به روز قضا

اعتقاد به روز قضا برای مسلمانان امری ضروری است. آنها معتقدند خدا قبلاً زمان قیامت را تعیین کرده است، اما زمان آن برای ما نامعلوم است. جزئیات مربوط به رخدادهای قبل و در طول روز قضاوت در قرآن، حدیث و همچنین به وسیله بسیاری از محققان مسلمان توضیح داده شده است. مسلمانان معتقدند که در روز قضاوت، همه اعمال خوب و بد بشر، توسط خدا محاکمه می‌شود.

## تقدیر

دین اسلام به تقدیر یا قسمت الهی معتقد است، که حاکی از آن است که خدا کنترل هر اتفاقی را از پیش در دست دارد و از اتفاقات حتی قبل از رخ دادن آنها آگاهی کامل دارد. بنابراین، برای مسلمانان، هر چیزی که اتفاق می‌افتد، خوب یا بد، از پیش تعیین شده است و هیچ چیزی بدون اذن خدا صورت نمی‌گیرد (اسپوزیتو، ۲۰۰۲). با این حال، محققان مسلمان اظهار می‌دارند که، هرچند رخدادهای قبل تعیین شده هستند،

اما انسان‌ها اراده آزاد دارند، و می‌توانند همیشه بین درست و غلط انتخاب کنند و جواب‌گو و مسئول اعمال خود هستند (اسپوزیتو، ۲۰۰۲).

## ارکان پنج‌گانه

ارکان اسلام شامل پنج عمل اساسی هستند که ظاهراً برای هر مؤمن معتقد ضروری است. در آموزه‌های اسلامی و قرآن، این پنج رکن ظاهراً چهارچوب اصلی تقدیس هستند و حاکی از سرسپردگی به اصول اسلامی می‌باشند. اینها عبارتند از: شهادت (عقیده)؛ صلات (عبادت روزانه)؛ زکات (صدقه دادن)؛ روزه (روزه گرفتن در طول ماه رمضان)؛ و حج (زیارت کعبه). شیعه و سنی که بزرگترین فرقه‌های اسلام هستند، بر اصول اساسی برای انجام این اعمال توافق دارند (اسپوزیتو، ۲۰۰۴).

### شهادت

شهادت اصل ابتدایی اسلام است و باید به زبان اقرار شود، که عبارت است از: «من شهادت می‌دهم که هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد رسول خدا است». شهادت قدردانی اصلی است و مسلمانان باید در تمام نماز روزانه خود آن را تکرار کنند. غیرمسلمانانی که مایل هستند به دین اسلام دربیایند نیز باید این جمله‌ها را بخوانند (اسپوزیتو، ۲۰۰۴).

### صلات

عبادت‌های رسمی، صلات یا نماز نامیده می‌شود، که روزی پنج مرتبه انجام می‌شود. فرض بر این است که نماز انسان را به خدا متصل می‌کند و یک شکل از ارتباط متقابل با او برای بیان سپاس‌گزاری و عبادت است. نماز برای همه مسلمانان واجب است، اما در موکول کردن آن در شرایط خاصی انعطاف‌پذیری وجود دارند. صرف‌نظر از زبان بومی فرد، نماز باید به زبان عربی خوانده شود، زیرا شامل آیات منظمی از قرآن است (کوبیزی، ۲۰۰۴).

## زکات

«زکات» بخشی از ثروت شخص است که برای کمک به فقرا و مستمندان کنار می‌گذارد. از آنجایی که ثروت به انسان‌ها از جانب خدا داده می‌شود، ثروتمندان باید از کسانی که در جوامع آنها نیازمند هستند، مراقبت کنند. بر طبق گزارش [irinnnews.org](http://irinnnews.org) ارزیابی محافظه‌کارانه‌ای از زکاتی که داده می‌شود، ۱۵ برابر بیش از کمک‌های جهانی و خیریه‌ها است (۲۰۱۳). هر دوی قرآن و حدیث مسلمانان را ترغیب می‌کنند به کمک کردن به صورت داوطلبانه، که صدقه نامیده می‌شود (قرآن).

## روزه

منع خوردن و نوشیدن (و چیزهای دیگر) از سپیده دم تا غروب در طول ماه رمضان برای هر مسلمان معتقدی واجب است. فرض بر این است که روزه گرفتن منجر به برقراری ارتباط نزدیک‌تر با خدا می‌شود تا سپاسگزاری و توکل ابراز شود، توبه از گناهان گذشته و همچنین فکر کردن به مستمندان نیز صورت بگیرد. افرادی که بیمار یا مسافر هستند یا به هر دلیلی نمی‌توانند روزه بگیرند، روزه برای آنها واجب نیست. دیگران نیز بنا به شرایط خودشان می‌توانند روزه نگیرند، اما در صورت توان، برای جبران روزهای از دست رفته بعدها می‌توانند روزه بگیرند (اسپوزیتو، ۲۰۰۴).

## حج

حج یا زیارت، در شهر مکه در طول ماه اسلامی ذی‌الحجه انجام می‌گیرد. مسلمانانی که از نظر مالی و جسمی توانایی به جا آوردن این زیارت را دارند، باید حداقل یک بار در طول زندگی به مکه بروند. رسم دینی خاصی در طول به جا آوردن حج وجود دارد، که شامل هفت بار طواف پیاده دور کعبه (خانه خدا)، هفت بار پیاده راه رفتن بین دو کوه صفا و مروه، و سنگ زدن نمادین به شیطان در منا است (اسپوزیتو، ۲۰۰۴).

## ظهور بنیادگرایی در اسلام

دین اسلام و مسیحیت هر دو از جمله مذاهب توسعه طلب و به دنبال موعظه برای افراد غیرمعتقد هستند. با این حال، مسیحیت در نظام دولتی از پیش موجود (امپراتوری روم) رشد کرد و سپس به یک قدرت سیاسی جداگانه تبدیل شد. از سوی دیگر، اسلام از پر کردن خلاء سیاسی شروع شد و نیرویی برای یک دولت جدید ایجاد کرد. بنابراین، در نهایت جدایی بین کلیسا و دولت در مسیحیت، در اسلام اتفاق نیفتاد.

اصطلاح «بنیادگرایی»<sup>۱</sup> از ایالات متحده و مبنی بر جنبش سیاسی ضدپیشرفت مسیحیان و اشتیاق به ترکیب مسائل اجتماعی و سیاسی با باورهای مسیحی برپا شد. از این روی، برچسب «بنیادگرایی» به مسلمانان زدن، کمی گیج کننده است؛ آن هم وقتی که این نوع تقسیم بندی بین مسائل اجتماعی، سیاسی و مذهبی نباید در اسلام وجود داشته باشد. البته تفاوت هایی در چگونگی وحدت بین مذهب و سیاست باید مد نظر قرار بگیرد. اما طبق تعریف، اصطلاح «بنیادگرا» برای اعمال مسلمانان و سیستم های اعتقادی آنها چندان منطقی به نظر نمی رسد.

## اعمال مذهبی در برابر اعمال فرهنگی

اسلام به سرعت گسترش یافت، به خاطر اینکه تماس و ارتباط خودش را با اعمال مذهبی از پیش موجود هماهنگ کرد. اگر این اعمال فرهنگی علناً در مخالف با اصول اولیه اعمال اسلامی نبود، خودشان را به فرهنگ تازه اسلامی وفق می دادند. با گذشت زمان، بسیاری از این اعمال فرهنگی پیش از اسلام، توسط سنت گرایی موجود در این جوامع مورد تأیید و تصدیق قرار گرفت.

پس از آن، آنچه که به عنوان بخشی از ایدئولوژی و اعمال اسلامی اظهار شد، بیشتر از سنت های اجتماعی و فرهنگی از پیش موجود این جوامع قومی بود. برای

### 1. Fundamentalism

اصطلاح بنیادگرایی به معنای محور قرار دادن مفاهیم دینی یا ایدئولوژیک در تمام شئون اندیشه و سبک زندگی است و صفت بارز آن مقاومت بر سر اصول در قلب فرهنگ است (م)